

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۱۰، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۱

صص ۱-۲۰

بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)

اصغر میرفردی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج، ایران*

مریم مختاری، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج، ایران

فروغ فرجی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، ایران

هومان دانش‌پذیر، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، ایران

چکیده

مسئله: قانون‌گرایی در هر جامعه سبب ایجاد استحکام و ثبات در مناسبات و روابط اجتماعی بین فردی و برقراری آرامش و احساس امنیت جامعه می‌شود و قانون‌گریزی مترادف با نظم‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکالیف، گریز از مسؤلیت و رسیدن به مقصود به هر طریق ممکن است که می‌تواند ارکان سلامت روانی و اجتماعی جامعه را تهدید کند. با افزایش شهرنشینی انواع ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی پدیدار می‌شود. بی‌توجهی به قوانین شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق شهروندی موجب هرج و مرج و بی‌نظمی اجتماعی می‌شود. بنابراین، هدف این مقاله بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی بوده است. روش: روش انجام پژوهش پیمایش بوده است. جامعه آماری، ساکنان ۴۵-۱۸ ساله شهر یاسوج بود که با استفاده از جدول لین تعداد ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه، تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود که برای تعیین اعتبار آن از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی و برای تعیین پایایی از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین فرهنگ شهروندی و گرایش به قانون‌گریزی، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین، بین هر یک از ابعاد فرهنگ شهروندی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. مردان و افراد مجرد گرایش بیشتری به قانون‌گریزی، نسبت به زنان و افراد متأهل دارند.

کلیدواژه‌ها: قانون‌گریزی، فرهنگ شهروندی، مشارکت اجتماعی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی، یاسوج

مقدمه و بیان مسأله

انسان‌ها برای ارضای نیازهای خود، با دیگران روابط اجتماعی دارند و این روابط با وجود پیچیدگی دارای انتظام و قاعده‌مندی است. در هر جامعه، انسان‌ها الگوهای عینی مربوط به رفتار اجتماعی را از عناصر و اجزای فرهنگ خود دریافت می‌دارند و هماهنگ با آن‌ها به برقراری روابط متقابل اجتماعی بین خود و واقعیات اجتماعی مبادرت می‌ورزند. این الگوهای عینی را هنجار گویند (علمی، ۱۳۸۵: ۵۲).

هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی است که در گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد، به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند. در هر جامعه‌ای برای رعایت کردن و اجرای هنجارهای اجتماعی، قواعد عرفی و مدون وجود دارد. قواعد از طریق نظارت و کنترل اجتماعی صورت می‌گیرد (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

یکی از هنجارهای اجتماعی که در تعیین و کنترل رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها نقش مهمی دارد، قوانین هستند. قوانین، هنجارهایی هستند که به صورت رسمی درآمده‌اند و ضمانت اجرایی دارند. در حقیقت، نوعی کنترل اجتماعی رسمی به حساب می‌آیند که موجد انسجام اجتماعی و ثبات جامعه‌اند (حاجی‌آقایی و عباسی، ۱۳۸۹: ۵۹).

رعایت قانون و تعهدات اجتماعی (قانون‌گرایی) در هر جامعه سبب ایجاد استحکام و ثبات در مناسبات و روابط اجتماعی بین فردی و برقراری آرامش و احساس امنیت جامعه می‌شود. عدم اجرای درست و کامل نظام حقوق رسمی و تعهدات (قانون‌گریزی) نیز بخشی از آسیب‌های اجتماعی است که می‌تواند ارکان سلامت روانی و اجتماعی جامعه را تهدید کند و موجب گسترش روحیه بی‌اعتمادی، سرخوردگی و یأس در جامعه شود (صداقت، ۱۳۸۴: ۴).

قانون‌گریزی مترادف با نظم‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکالیف، گریز از مسؤولیت و رسیدن به مقصود به

هر طریق ممکن است (علمی، ۱۳۸۵: ۵۶).

واقعیت‌های موجود در کشورهای پیشرفته صنعتی، نشان‌دهنده این است که آحاد مردم این کشورها نسبت به مردم کشورهای جهان سوم، قانون‌گرا تر هستند. آنچه مسلم است، رعایت قوانین حاکم بر جامعه به هر شکل که باشد، با توسعه و پیشرفت همبستگی مستقیم دارد. به موازات پیشرفت و تحول جوامع، اهمیت قانون در مقایسه با سایر هنجارهای دیگر در تنظیم رفتار اجتماعی به نحوه چشمگیری بیشتر می‌شود (علمی، ۱۳۸۵: ۵۳).

در بسیاری از کشورهای رو به توسعه از جمله ایران، گسترش شهرنشینی با سرعتی بی‌سابقه و حتی سریع‌تر از کشورهای صنعتی اتفاق افتاده است و از آنجا که بسیاری از شهروندان آمادگی لازم برای ورود به این نوع زندگی را پیدا نکرده‌اند با بی‌توجهی به قوانین شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق شهروندی، موجبات آزار دیگر شهروندان و حتی خود را فراهم می‌آورند. در نتیجه، گسترش این بی‌سازمانی اجتماعی که پیونددهنده روابط فردی با روابط اجتماعی است، موجب ایجاد هرج و مرج اجتماعی و در نتیجه، از هم پاشیدن اعتماد اجتماعی می‌شود و هر فردی به جای منافع ملی، به فکر منافع فردی خواهد بود و در نهایت، به قانون‌گریزی منجر می‌شود.

بیشتر نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۷).

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شهر یاسوج است. یاسوج یکی از شهرهای جنوبی ایران و مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد است. با توجه به نقش مرکزیت شهر یاسوج؛ مرکزیت سیاسی، اداری و خدماتی و ترزیق بودجه‌های دولتی از یک طرف و محرومیت شدید دیگر سکونتگاه‌های استان، به‌خصوص روستاها و شهرهای کوچک از طرف دیگر، موجب مهاجرپذیری و رشد سریع جمعیت شهرنشینی در این

قانون‌گرایی آنان بالاتر است.

صادق‌نیا (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان "بررسی گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل اجتماعی- فرهنگی تأثیرگذار بر آن" انجام داده است. این مطالعه با استفاده از دو روش تحلیل محتوای کمی و پیمایش به بررسی موضوع پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ شهروندی، خویشاوندگرایی، تجربه عینی نزاع و پایگاه اقتصادی- اجتماعی تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی دارند.

"گریز از مالیات، وظیفه شهری و شهروند مطیع قانون" عنوان تحقیقی است که اروسیکا و هادسون (۲۰۰۲)، انجام داده‌اند. در این تحقیق، محققان به دنبال گریز از پرداخت مالیات به عنوان یکی از شکل‌های قانون‌گریزی در میان شهروندان انگلیس بوده‌اند. این تحقیق به شکل پیمایشی انجام و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که قسمت زیادی از جمعیت کشور انگلیس از پرداخت مالیات چشم‌پوشی می‌کنند، که این مسأله در میان جوانان و مردان وسیع‌تر است. نتایج همچنین از اهمیت وظیفه شهری و اطاعت از قانون در جلوگیری افراد از گریز از پرداخت مالیات حمایت می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که گریز از مالیات به عنوان شکلی از قانون‌گریزی در میان بزرگسالان کمتر است؛ بدین دلیل که آن‌ها احساس می‌کنند کار اشتباهی است و در بعضی مواقع به دلیل ترس از عواقب دستگیر شدن این کار را نمی‌کنند. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قانونمداری و وظیفه شهروندی بر نگرش افراد در حرکت به سمت اعمال قانون در موقعیت زناشویی فرد تغییر نمی‌کند؛ بلکه تنها احتمال دارد که موقعیت تأهل بر فرار از مالیات تنها از طریق فرصت‌های بیشتر برای فرار که متاهلان دارند، تأثیرگذار باشد.

"موانع قانونی و اثر آن بر قانون‌گریزی" عنوان تحقیقی است که ریچارد (۲۰۰۴)، انجام داده است. بر اساس این مطالعه که در کشور انگلستان صورت گرفته، میزان

شهر شده است که می‌تواند پیامدهایی، مانند: بیکاری، کمبود خدمات و تجهیزات، مشاغل کاذب، حاشیه‌نشینی، توسعه کالبدی- فضایی نااندیشیده شهر و بالا رفتن ناهنجاری‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد (صفائی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

طبق گزارش فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، آمار جرایم در شهر یاسوج نشان می‌دهد که جرایم در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷، ۲۱/۹ درصد و در سال ۸۹ نسبت به ۸۸، ۵۱/۷ درصد افزایش داشته است. سیر تحولات آمار جرایم در این شهر نشان‌دهنده سیر صعودی آن و میزان قانون‌گریزی بالاست. بنابر آنچه گفته شد، لازم است عمده‌ترین عوامل مرتبط با قانون‌گریزی بررسی شده و سهم هر یک از عوامل تبیین گردد تا در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی- فرهنگی بتوان برای ساماندهی این عوامل اولویت‌گذاری اجرایی انجام داد. بنابراین، این پرسش اصلی مطرح است که: فرهنگ شهروندی تا چه میزان بر گرایش شهروندان ۴۵-۱۸ ساله شهر یاسوج به قانون‌گریزی مؤثر است؟

پیشینه پژوهش

صداقت (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان "بررسی نقش عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز" انجام داده است. هدف این تحقیق، تعیین نقش عوامل فردی و فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز است. تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قانون‌گرایی زنان و شهروندان متأهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین، قانون‌گریزی طبقه پایین نیز نسبت به طبقات متوسط و بالا بیشتر است. قانون‌گرایی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد؛ به طوری که هر چه سطح مشارکت اجتماعی شهروندان همراه با عدم فقر فرهنگی و اجتماعی باشد، به همان مقدار نیز

(۱۳۸۴: ۴۳).

مطالعات این صاحب‌نظران همبستگی معناداری میان رفتار انحرافی و عواملی، چون: سن، جنس، تراکم جمعیت و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب یافتند. به اعتقاد آنان عوامل اجتماعی، افراد را کنترل می‌کنند و وقتی که این عوامل بی‌ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند. فقدان ثبات در ساختار اجتماعی رفتار انحرافی را به دنبال خواهد داشت (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳).

پیوند اجتماعی هیرشی^۱

هیرشی که مهم‌ترین پایه‌گذار نظریه کنترل اجتماعی است، موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. او بر این اعتقاد است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود (Hirschi, 1969: 16-26). هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند:

۱- وابستگی؛ ۲- تعهد؛ ۳- درگیری؛ ۴- اعتقاد.

۱- وابستگی: هنجارها، شیوه‌های پذیرفته شده رفتار، نزد مردم یک جامعه هستند. هنجارشکنی عملی برخلاف شیوه‌های پذیرفته شده است. اگر فردی به تمایلات و انتظارات دیگران اهمیت ندهد؛ یعنی نسبت به نظریات و اعتقاد آنان بی‌تفاوت باشد، در آن صورت پیوند او با جامعه ضعیف بوده و خود را آزاد می‌بیند که مرتکب انحراف شود. بنابراین، از نظر هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است.

۲- تعهد: تعهد به این معناست که ما وقت و انرژی خود را در راه دست‌یابی به اهدافی، مانند: تحصیل، کار و داشتن شهرت خوب در میان دیگران صرف می‌کنیم. فردی که به فعالیت‌های متعارف در زندگی روزمره متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به دست آورده، کجرفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد (ممتاز، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

قانون‌گرایی افراد تابع سطح شهروندی و پیروی از الگوهای شهری است و امور شهروندی عبارتند از: سطح ارتباطات اجتماعی با دیگران، توانایی استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، سطح خودآموزی و تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های ارتباط با دیگران و کار با ابزارهای زندگی و الکترونیکی، احساس توانمندی حل مشکل دامنه کار با دیگران است که نتیجه آن در برگیرنده آثار مثبت شهروندگرایی به قانون‌گرایی است.

هر پژوهشی که انجام می‌گیرد، راه تازه‌ای را برای پژوهشگران بعدی می‌گشاید و به آن‌ها در مطالعه بهتر پدیده‌ها کمک می‌کند. در مرور پیشینه تحقیق، تنها به تحقیقاتی چند که تا حدودی مشابه آن بوده و یا در زمینه‌های نزدیک به آن صورت گرفته، اشاره شده است. با توجه به اینکه مرور پیشینه تحقیق نشان داد که در جامعه مورد مطالعه، تاکنون چنین مطالعه‌ای صورت نگرفته؛ اهمیت و ضرورت مطالعه آشکار شده و با بهره‌گیری از تجربیات مطالعات پیشین، این تحقیق با در نظر گرفتن اقتضائات محلی در جامعه مورد مطالعه انجام شده است.

مبانی نظری

الف) نظریه‌های انحرافات اجتماعی

بی‌سازمانی اجتماعی

نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است، جرایمی، نظیر: قتل، سرقت، انحرافات اجتماعی و اعتیاد را افزایش می‌دهند. از نیمه دوم قرن نوزدهم تا ربع سوم قرن بیستم، توسعه نظری مفهوم آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی به وسیله دورکیم (۱۹۵۱)، مرتن (۱۹۵۷)، پارسونز (۱۹۴۲) و پارکو برگس (۱۹۲۷)، به مطالعات اصالت محیط اروپایی و آمریکایی در تبیین جرم و بزهکاری کمک کرد (احمدی،

¹ Hirschi

بخشی از این وظیفه پرورشی را سازمان‌های رسمی؛ از جمله محیط‌های آموزشگاهی به عهده دارند و بخشی دیگر به عهده والدین، رسانه‌های گروهی و سایر عوامل پیچیده اجتماعی است (کاظمی، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

در این رویکرد، جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقوله نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. این فرایند که حاصل ارتباط است، عوامل مختلفی دارد که عبارتند از: پدر و مادر، سایر اعضای خانواده، دوستان، همکاران، مدرسه، کلیسا و رسانه‌های جمعی. این عوامل ارزش‌ها و باورها و قراردادهای جامعه را از طریق ارتباط به فرد عرضه می‌کنند و با جامعه‌پذیر کردن فرد، او را به مشارکت فعال اجتماع تبدیل می‌کنند (بریجیت و گیل، ۱۳۸۴: ۹۷). در مورد ماهیت این فرایند نیز، اختلافاتی وجود دارد. برخی آن را نوعی فرایند یادگیری می‌دانند که از طریق آن افراد می‌آموزند که در شرایط معین چگونه رفتار کنند و هر نقشی یا منزلت اجتماعی چه توقعات و انتظاراتی با خود می‌آورد. گروهی هم جامعه‌پذیری را عبارت از آموزش می‌دانند که در ضمن آن هنجارها و ارزش‌های جا افتاده از طریق دادن پاداش و کیفر برای انواع گوناگون رفتارها، آموزش داده می‌شوند (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۳۹۴).

ب) نظریه‌های فرهنگ شهروندی

شهروندی و رفتار شهروندان از متغیرها و عوامل بنیادین در گسترش سرمایه اجتماعی و به دنبال آن توسعه جوامع بشری است. مفهوم شهروند و شهروندی از مفاهیمی است که از دیرباز تاکنون مطرح بوده و سیر تکامل خود را در ادوار و جوامع مختلف طی کرده است. پیشینه تاریخی و مفهومی مباحث نظری شهروندی به اندیشه سیاسی-اجتماعی افلاطون، سقراط و به‌ویژه ارسطو در کتاب سیاست در یونان باستان، رواقیون و فلاسفه مسیحی؛ به‌ویژه آگوستین و آکویناس در عصر رومیان و قرون وسطی و به صورت منسجم‌تر در اندیشه سیاسی-اجتماعی

۳- درگیری: بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدود دارند. درگیری در امور زندگی روزمره وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بیهوده وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند؛ در حالی که کسی که کار می‌کند، خانواده‌ای تشکیل می‌دهد و سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم را ندارد (ممتاز، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

۴- اعتقاد: هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه این اعتقاد در افراد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد هنجارشکنی کند. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به هنجارها و قوانین واقع می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای همنا بودن و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد (ممتاز، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای این نظریه، هر چه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، "پیوند" آن‌ها با جامعه سست‌تر است و احتمال کجرفتاری بیشتر خواهد بود.

رویکرد جامعه‌پذیری^۱

رویکرد جامعه‌پذیری بر پیوند اجتماعی تأکید دارد. خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد این پیوند است. در این رویکرد، جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقوله نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. کودک در فرایند اجتماعی‌شدن، علاوه بر کسب مهارت‌ها و توانایی‌ها- که در حیطه وظایف بخش آموزش قرار دارد- موضوع پرورش واقع می‌شود. بنا به تعریف، "پرورش عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن، کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا به‌طور کلی، رشد شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آن‌هاست".

^۱ Sociolization

ماکیاولی، هابز، لاک، روسو، کانت و هگل در دوره رنسانس برمی‌گردد (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۵).

مفهوم شهروندی که حامل مدنیت و پیشرفت بوده است، از منظرهای گوناگون توسط مکاتب مختلف فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل سنتی نظری جامعه‌شناسی مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. در بررسی و مطالعه مفهوم شهروندی همواره یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که در جامعه‌شناسی نیز با رویکردی کارکردگرایانه به این موضوع - اخلاق شهروندی - نگرسته می‌شود.

بنابر رویکرد کارکردگرایانه درونگرا، محور اصلی بحث در ارتباط با فرهنگ شهروندی، تحلیل‌های کارکردی از ساخت هنجاری اخلاق است که رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، در این رویکرد رفتار شهروندان اساساً از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی، سازماندهی و هدایت شهروندان به سوی کنش‌ها و تعاملات و جلوگیری از انحراف آنان (کارکرد کنترل) است. فرض اساسی و زیربنای این رویکرد، این است که وجود هم‌نوایی گسترده با هنجارهای فرهنگ شهروندی و روابط اخلاقی در میان شهروندان، باعث کنترل تعصبات ذهنی و فکری شهروندان و از میان رفتن مقاومت آنان در برابر الگوهای صحیح فرهنگ شهروندی می‌گردد که نهایتاً موجب رشد و گسترش معرفت فرهنگ شهروندی و رسیدن به انسجام اجتماعی می‌شود. توجه‌محوری به مناسبات درونی و کنش متقابل شهروندان و شبکه‌های ارتباطی درون اخلاق و فرهنگ و داخل "اجتماع شهروندی" باعث می‌شود که از رویکرد کارکردگرایانه درونی به رویکرد کنش متقابل تعبیر شود. از بعد رویکرد کنش متقابل پیدایش فرهنگ شهروندی، امری به شدت تعاملی در نظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که رشد اخلاق و

فرهنگ و تغییر در علایق شهروندی امری به فعالیت شبکه‌ای از شهروندان مربوط می‌گردد. کنش متقابل میان شهروندان، از مجموعه هنجارهای فرهنگی جامعه تبعیت می‌کند (خلفی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

در رویکرد کارکردگرایانه برونگرا، فرض استقلال فضای شهروندی (فرهنگی، اخلاقی و...) از سایر فضاهای جامعه، مردود تلقی می‌شود و به بررسی تأثیرپذیری جامعه شهروندی (فرهنگی) از سایر فضاهای جامعه، مانند: نهاد سیاست، اقتصاد، دین و ... متقابلاً تأثیرگذاری فضای شهروندی بر آنها می‌پردازد؛ اما آنچه در این دو تحلیل مشترک است، کارکردگرایانه بودن فرهنگ شهروندی، به عنوان نقطه شروع تحلیل است (خلفی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

با وجود طیف گسترده نظریه‌های اجتماعی شهروندی محور مشترک در تعریف جامعه‌شناسانه مفهوم شهروندی تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی، مشارکت شهروندی، برابری شهروندی، هویت شهروندی و نقش پایگاه شهروندی فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی اعضای جامعه است. جامعه‌شناسان کلاسیک؛ به ویژه وبر، دورکیم و تونیس قائل به نوعی هویت عضویت و تعهد عقلایی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی منجر می‌گردد - از این منظر شهروندی عقلانی و بری، شهروندی مدنی و عرفی دورکیمی و شهروندی عرفی و گزلفاشافتی تونیزی معنا پیدا می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷).

دورکیم جرم را عملی تعریف می‌کند که "وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند"؛ جایی که فرهنگ شهروندی حضور فعال ندارد و یا محو و کمرنگ می‌شود، جرایم و بزهکاری و هنجارشکنی رواج می‌یابد (سخاوت، ۱۳۷۳: ۲۹).

پارسونز از جمله نظریه‌پردازان برجسته جامعه مدنی و

و نهادهای مدنی به سمت دولت؛ ب) قلمرو اجتماعی شهروندی: شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری در حوزه عمومی بوده است یا خصوصی؛ پ) گونه اجتماعی شهروندی عمدتاً و در عمل ناظر به ایفای وظایف، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات شهروندی بوده است؛ یا معطوف به حق و امتیازات شهروندی بوده است. علاوه بر این مؤلفه‌ها در طرح تجربی ترنر به دو مقوله جامعه‌شناسی دیگر نظیر نیروهای اجتماعی شهروندی؛ یعنی اینکه کدام دسته از نیروهای اجتماعی شهروندی و نهادهای شهروندی و نهادهای شهروندی و تقویت شهروندی توجه شده است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۸). از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط به مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش ببینند و خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت کنند (شریتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

چارچوب نظری

در این قسمت از پژوهش، چند نظریه به شکل ترکیبی به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده و با استفاده از این دیدگاه‌ها، عوامل و متغیرهای اصلی تحقیق و احتمال رابطه بین آن‌ها تحلیل شده‌اند.

بر اساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده افراد به سوی شهرها، موجب کم‌اثر شدن سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی پیشین و کاهش پیوندهای گروهی معمول می‌شود. در این موقعیت، نوعی نابسامانی و بی‌سازمانی اجتماعی رخ داده و توافق چندانی در مورد رفتار مناسب یا نامناسب وجود ندارد؛ در نتیجه، هنجارشکنی و قانون‌گریزی رواج می‌یابد. به بیان دیگر، با استفاده از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی؛ می‌توان استدلال نمود که بی‌سازمانی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی به عنوان شاخصه‌های فرهنگ شهروندی را به تحلیل می‌برد و زمینه قانون‌گریزی را فراهم می‌سازد.

حقوق شهروندی است. دیدگاه‌های وی درباره شهروندی ابتدا تأکید بر حفظ دموکراسی در آمریکا، در زمان جنگ جهانی دوم داشته است و برای حفظ این الگوی نگهداشت آمریکا بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پایایی آن در حوزه زندگی اجتماعی تأکید کرده است. به نظر او، مهم‌ترین ارزش‌هایی که باعث تقویت دموکراسی و بسط فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد، شامل: الف) برخوردار بودن از روحیه عقلایی - انتقادی در دانش علمی؛ ب) احترام به قانون؛ ج) بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون که رعایت آن بر عهده شهروندان است؛ د) درک همه‌جانبه بودن از مفهوم شهروندی است (کیویستو، ۱۳۷۸: ۹۹).

پارسونز قالب مفهوم شهروندی اجتماعی مدرنیتی، با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی، بی‌طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می‌کند. در مجموع، طرح نظری شهروندی وبری، دورکیمی و پارسونزی یکی از رویکردهای سه‌گانه مطرح در جامعه‌شناسی شهروندی است که تأکید آن بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است و از نوعی جهت‌گیری دموکراتیک و لیبرالی به معنای سیاسی آن برخوردار است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

ترنر یک طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی ارائه داده است که می‌توان آن را مبنایی برای "رویکرد جامعه‌شناسی تجربی شهروندی" تلقی کرد. در طرح ترنر پدیده شهروندی با چهار مؤلفه جامعه‌شناسی تحلیل و تبیین می‌شود: الف) شکل اجتماعی شهروندی؛ اینکه شهروندی از بالا به پایین؛ یعنی از دولت به سمت جامعه شکل گرفته است. یا از پایین به بالا؛ یعنی از جامعه

مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌شود و در نهایت، به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی می‌انجامد. دیدگاه این دسته از جامعه‌شناسان در مورد هویت مدنی جدید و احساس تعلق بیشتر به جامعه، می‌تواند برای طرح و تحلیل فرضیه فرهنگ شهروندی و میزان گرایش به قانون‌گریزی استفاده شود.

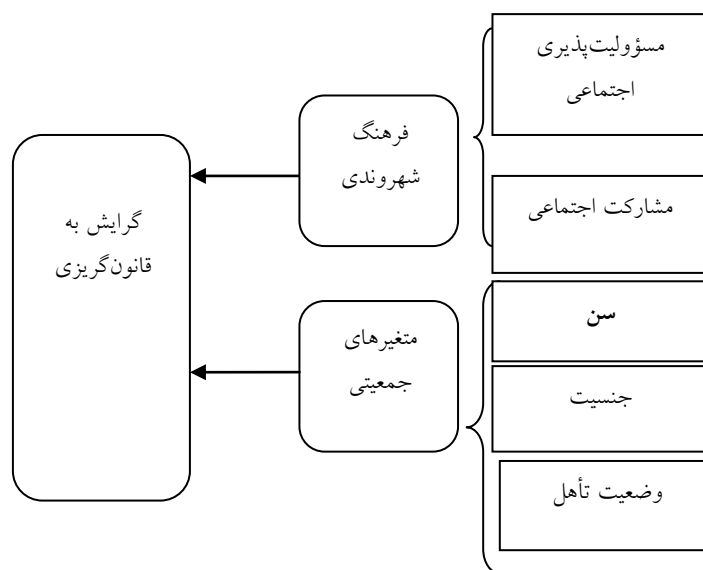
با توجه به اهمیت فرهنگ شهروندی به عنوان یک کلیت مفهومی و همچنین، عناصر تشکیل‌دهنده آن، خود مفهوم فرهنگ شهروندی در قالب فرضیه اصلی و هر یک از عناصر آن (مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی) نیز در قالب فرضیه‌های جداگانه‌ای در این پژوهش بررسی می‌شود. متغیرهای جمعیتی نیز به عنوان شرایط زمینه‌ای در کنار متغیرهای مستقل مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی در ارتباط با متغیر وابسته تحلیل و ارزیابی می‌شوند.

جدول زیر، با یک جمع‌بندی، مهم‌ترین زمینه‌های نظری فرضیه‌های این تحقیق را نشان می‌دهد که در قالب مدل تحقیق و فرضیه‌های مرتبط با آن معرفی شده‌اند:

بنا بر نظریه پیوند اجتماعی، افرادی که پیوند قوی با جامعه دارند، از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آن‌هایی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی با آن‌ها ندارند، برای کجروی مستعدتر و آزادتر هستند. هیرشی عناصری از قبیل "دلبستگی فرد به افراد خانواده و نهادهای اجتماعی"، "تعهد نسبت به جامعه"، "مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی" و "باور و وفاداری فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی" را پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه می‌داند. با توجه به این نظریه می‌توان گفت هرچه قدر تعهد افراد نسبت به جامعه (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) و مشارکت آن‌ها در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی (مشارکت اجتماعی) بیشتر باشد، میزان پیوند آن‌ها با جامعه بیشتر و در نتیجه، میزان گرایش به قانون‌گریزی در آن جامعه کمتر است. با استفاده از نظریه پیوند اجتماعی؛ می‌توان به طرح و تحلیل این فرضیه پرداخت که میزان مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی به عنوان شاخصه‌های فرهنگ شهروندی و از نمودهای عینی پیوند اجتماعی، با گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری دارد. جامعه‌شناسان کلاسیک؛ به خصوص وبر، دورکیم و تونیس قائل به نوعی هویت عضویت و تعهد عقلایی، عرفی و

جدول ۱- جمع‌بندی از چارچوب نظری و ارائه مدل نظری

نظریه	حوزه تأکید	فرضیه/متغیر اکتباسی
نظریه پیوند اجتماعی	نقش میزان پیوند اجتماعی افراد در هنجارمندی و قانونمندی آن‌ها	ارتباط میزان مشارکت اجتماعی و قانون‌گریزی
نظریه بی‌سازمانی اجتماعی	نقش میزان سازماندهی اجتماعی در هنجارمندی افراد جامعه	ارتباط میزان مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی و قانون‌گریزی
نظریه‌های کلاسیک (وبر، دورکیم و تونیس)	هویت مدنی جدید و احساس تعلق بیشتر به جامعه	ارتباط میزان مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی و قانون‌گریزی



شکل ۱- مدل تجربی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان فرهنگ شهروندی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان مسئولیت‌پذیری و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- زنان و مردان میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند.
- افراد مجرد و متأهل میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند.

روش پژوهش

روشی که در این پژوهش استفاده می‌شود، روش پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش، محقق ساخته است. جامعه آماری

پژوهش شهروندان ۱۸ تا ۴۵ سال ساکن شهر یاسوج هستند. با استفاده از جدول حجم برآورد نمونه لین (Lin, 1976: 446)، برای جامعه آماری این پژوهش که بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ برابر با ۵۳۵۲۴ نفر بوده است، با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۱ نفر محاسبه شد، که برای اطمینان بیشتر نتایج پژوهش، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. از آن جایی که وضعیت اقتصادی-اجتماعی مناطق مختلف شهر یاسوج تاکنون مشخص نشده است و به نظر می‌رسد با توجه به جدید بودن این شهر، تفاوت زیادی از این نظر در بین مناطق آن وجود نداشته باشد، برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای-چند مرحله‌ای استفاده شد. پس از تعیین حجم نمونه، ابتدا با استفاده از نقشه راهنمای شهر یاسوج، مناطق سه‌گانه شهر (بالا، متوسط و پایین) از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ساکنان، تعیین و تعداد محله‌های هر منطقه مشخص شد. سپس به تناسب سهم جمعیت در هر منطقه، تعداد نمونه در هر کدام تعیین شد. در مرحله بعد، از هر محله چند بلوک به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر بلوک، برای انتخاب

قانون

در فرهنگ معین، قانون چنین تعریف شده است: قانون قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و آن مبنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند (معین، ۱۳۶۳: ۲۶-۲۷).

گرایش به قانون‌گریزی

قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گه‌گاهی، غیرخشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در برمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گویند (علی بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۷). در این پژوهش، متغیر گرایش به قانون‌گریزی به طور جداگانه در دو بعد رفتاری و شناختی، در مقیاس ترتیبی سنجیده شده است. برای سنجش بعد رفتاری، از ۷ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده شد. به گزینه کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱) اختصاص داده شد. و برای سنجش بعد شناختی، از ۵ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده شد. به گزینه کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱) اختصاص داده شد. مجموع این ابعاد با عنوان گرایش به قانون‌گریزی در سطح رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

خانوارها، شماره مبدایی (از بین اعداد ۱ تا ۷) در نظر گرفته شد و با استفاده از فاصله نمونه که در این پژوهش ۷ است، به تعیین نمونه‌های بعدی پرداخته شد؛ آنگاه پرسشنامه توسط یکی از افراد ۱۸ تا ۴۵ سال هر خانوار، پر شد.

برای تعیین اعتبار سازه از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. مقدار KMO سازه گرایش به قانون‌گریزی برابر با ۰/۸۹ و مقدار KMO سازه فرهنگ شهروندی برابر با ۰/۷۳ است که این مقدار پذیرفته شده است. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه همابستگی درونی ابزار سنجش از جمله پرسشنامه به کار می‌رود. آلفای کرونباخ به دست آمده برای سازه گرایش به قانون‌گریزی برابر با ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ متغیر فرهنگ شهروندی برابر با ۰/۷۱ است. با توجه به اینکه این مقادیر از ۰/۷۰ بیشتر است، بنابراین، سؤال‌ها از همابستگی و انسجام لازم برخوردار بوده است. در نهایت، داده‌های پرسشنامه به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

آسیب‌های اجتماعی

منظور از آسیب‌های اجتماعی، میزان نقض هنجارهای اجتماعی جامعه است. در واقع، آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی (مثل اعتیاد، درگیری‌های دسته‌جمعی، تشکیل باندهای خطرناک، انحراف‌های جنسی، طلاق، سرقت، خودکشی، قتل، تکدی، وندالیسم و لمپنیسم) است (ستوده، ۱۳۸۱: ۲۸).

جدول ۲- ابعاد و گویه‌های متغیر وابسته

متغیر	ردیف	گویه‌ها	سطح سنجش
گرایش به قانون‌گریزی	۱	به نظر من، در برخی شرایط می‌توان قوانین رانندگی (عبور از چراغ قرمز، سرعت بالا، سبقت غیر مجاز و داشتن گواهینامه و ...) را نادیده گرفت.	رتبه‌ای
	۲	به نظر من، می‌توان دفترچه بیمه درمانی خود را در اختیار دیگران قرار داد تا از آن استفاده کنند.	
	۳	اگر موقعیتش پیش بیاید، در صف نان، بنزین و یا خرید اجناس از دیگران جلو می‌زنم.	
	۴	به نظر من، اقدام به خرید یا استفاده از کالاهای غیرمجاز (ماهواره و فیلم‌های خارجی بدون مجوز پخش) اشکالی ندارد.	
	۵	برای رفع یک کار اداری، می‌توان مشکل خود را با پول یا پارتی حل کرد.	
	۶	به نظر من، اگر فیش آب و برق و تلفن خود را دیرتر از مهلت مقرر پرداخت کنیم، هیچ اشکالی ندارد.	
	۷	رعایت قانون، وظیفه من است.	
	۸	با رعایت قانون، هر کس به حق خود می‌رسد.	
	۹	معتقدم اگر بخواهی قانون را رعایت کنی، از بقیه عقب می‌مانی.	
	۱۰	اگر آدم زرنگ باشد، به راحتی می‌تواند قوانین را نادیده بگیرد.	
	۱۱	معتقدم اگر قانون را رعایت نکنی، می‌توانی با پرداخت رشوه مجازات نشوی.	
	۱۲	کسانی که قانون را رعایت نمی‌کنند، در زندگی موفق‌ترند.	

فرهنگ شهروندی

متغیر فرهنگ شهروندی مورد سنجش قرار گرفت. به گزینه کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱) اختصاص داده شد. مجموع این ابعاد با عنوان فرهنگ شهروندی در سطح رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفت که گویه‌های ۱ تا ۴ مربوط به بعد مسؤولیت‌پذیری و گویه‌های ۵ تا ۹ مربوط به بعد مشارکت اجتماعی است.

فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین، تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۹). این متغیر در دو بعد مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت اجتماعی در قالب ۹ گویه ۵ گزینه‌ای سنجیده شد و مجموع این مفاهیم، با عنوان

جدول ۳- ابعاد و گویه‌های متغیر مستقل فرهنگ شهروندی

متغیر	ردیف	گویه‌ها	سطح سنجش
فرهنگ شهروندی	۱	وظایفی که بر عهده‌ام گذاشته می‌شود، نمی‌توانم درست انجام دهم.	رتبه‌ای
	۲	من اول به فکر پیشرفت خودم هستم، بعد دیگر افراد جامعه.	
	۳	فقط مأموران شهرداری مسؤول پاکیزگی شهر هستند و مردم مسؤولیتی ندارند.	
	۴	نمی‌توانم به قولی که به دیگران می‌دهم، خیلی پایبند باشم.	
	۵	اغلب در انتخابات شورای شهر خود شرکت می‌کنم.	
	۶	اغلب در برنامه‌های عمومی مانند: کمک به ایتم، جشن عاطفه‌ها و ... شرکت می‌کنم.	
	۷	من از نمایشگاه‌های مختلفی که در شهر برپا می‌شود، بازدید می‌کنم.	
	۸	اغلب در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت می‌کنم.	
	۹	اغلب به مؤسسات خیریه، کمک مالی می‌کنم.	

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

آمار توصیفی، مجموعه روش‌هایی است که برای سازماندهی، تلخیص، تهیه جداول و چگونگی توصیف داده‌های گردآوری شده از جامعه آماری به کار برده می‌شود. در این بخش به ویژگی متغیرهای مربوط به نمونه آماری پژوهش توجه می‌شود و با استفاده از جداول دو بعدی به توصیف متغیرها پرداخته خواهد شد. در این پژوهش ۶۷/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۲/۳ درصد از آن‌ها زن هستند. همچنین، ۷۰/۸ درصد از

پاسخگویان مجرد و ۲۹/۳ درصد از آن‌ها متأهل هستند. محدوده سنی پاسخگویان ۱۸-۴۵ سال و میانگین سنی بالغ بر ۲۶ سال است.

متغیر میزان گرایش به قانون‌گریزی

مطابق با جدول ۴، ۵۰/۱ درصد از پاسخگویان گرایش پایینی به قانون‌گریزی داشتند؛ در حالی که ۳۷/۶ درصد گرایش متوسط و ۱۲/۳ درصد پاسخگویان گرایش بالایی به قانون‌گریزی داشتند. میانگین گرایش به قانون‌گریزی ۲۷/۲۵ است که از میانگین واقعی (۳۶) کمتر است.

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان گرایش به قانون‌گریزی

متغیر گرایش به قانون‌گریزی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
پایین	۲۰۰	۵۰/۱		
متوسط	۱۵۰	۳۷/۶	۲۷/۲۵	۳۶
بالا	۵۰	۱۲/۳		
تعداد کل	۴۰۰			

متغیر فرهنگ شهروندی

مطابق جدول ۵، ۱۵/۲ درصد پاسخگویان دارای فرهنگ شهروندی پایین، ۷۱ درصد دارای فرهنگ شهروندی متوسط و

۱۳/۸ درصد از آن‌ها فرهنگ شهروندی بالایی داشتند. میانگین متغیر فرهنگ شهروندی ۲۷/۸ است که از میانگین واقعی (۲۷) بیشتر است.

جدول ۵- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان فرهنگ شهروندی

متغیر فرهنگ شهروندی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
پایین	۶۱	۱۵/۲		
متوسط	۲۸۴	۷۱	۲۷/۸	۲۷
بالا	۵۵	۱۳/۸		
تعداد کل	۴۰۰			

مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مطابق جدول ۶، ۱۵/۵ درصد پاسخگویان دارای مسئولیت‌پذیری

اجتماعی پایین، ۶۹ درصد دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی متوسط و ۱۵/۵ درصد از آن‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی

داشتند. میانگین بعد مسؤلیت‌پذیری اجتماعی ۹/۵ است که از میانگین واقعی (۱۲) کمتر است.

جدول ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مسؤلیت‌پذیری اجتماعی

متغیر فرهنگ شهروندی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
پایین	۶۲	۱۵/۵		
متوسط	۲۷۶	۶۹	۹/۵	۱۲
بالا	۶۲	۱۵/۵		
تعداد کل	۴۰۰			

مشارکت اجتماعی

و ۱۶ درصد از آن‌ها مشارکت اجتماعی بالایی داشتند. میانگین بعد مشارکت اجتماعی ۱۸/۵ است که از میانگین واقعی (۱۵) بیشتر است.

مطابق جدول ۷، ۱۶/۵ درصد پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی پایین، ۶۷/۵ درصد دارای مشارکت اجتماعی متوسط

جدول ۷- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی

متغیر فرهنگ شهروندی	تعداد	درصد	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
پایین	۶۲	۱۵/۵		
متوسط	۲۷۶	۶۹	۹/۵	۱۲
بالا	۶۲	۱۵/۵		
تعداد کل	۴۰۰			

آمار استنباطی

(۰/۵۴۳-) وجود دارد؛ یعنی هرچه فرهنگ شهروندی بالاتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و با درجه اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان گفت این رابطه معنادار است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه اول- بین فرهنگ شهروندی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به جدول ۸، می‌توان نتیجه گرفت که بین فرهنگ شهروندی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه متوسط و معکوسی

جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون بین فرهنگ شهروندی و گرایش به قانون‌گریزی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد پاسخگو
فرهنگ شهروندی	-۰/۵۴۳	۰/۰۰۰	۴۰۰

مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و با درجه اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان گفت این رابطه معنادار است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه دوم- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جدول ۹، می‌توان نتیجه گرفت که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه متوسط و معکوسی (۰/۳۹۱-) وجود دارد؛ یعنی هرچه

جدول ۹- ضریب همبستگی پیرسون بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد پاسخگو
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰/۳۹۱	۰/۰۰۰	۴۰۰

اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و با درجه اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان گفت این رابطه معنادار است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه سوم- بین مشارکت اجتماعی و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جدول ۱۰، می‌توان نتیجه گرفت که بین مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه متوسط و معکوسی (۰/۴۶۴-) وجود دارد؛ یعنی هرچه مشارکت

جدول ۱۰- ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد پاسخگو
مشارکت اجتماعی	-۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۴۰۰

با توجه به سطح معناداری آن (۰/۰۷۷) می‌توان نتیجه گرفت که این رابطه معنادار نیست. پس رابطه معناداری فرضیه یاد شده مبنی بر وجود رابطه بین سن و میزان گرایش به قانون‌گریزی، رد می‌شود.

فرضیه چهارم- بین سن و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جدول ۱۱ می‌توان گفت که بین سن و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و بسیار ضعیفی وجود دارد؛ اما

جدول ۱۱- ضریب همبستگی پیرسون بین سن و میزان گرایش به قانون‌گریزی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد پاسخگو
سن	-۰/۰۸۹	۰/۰۷۷	۴۰۰

معناداری وجود دارد؛ یعنی گرایش مردان به قانون‌گریزی بیشتر از زنان است. با توجه به سطح معناداری، این فرضیه تحقیق مبنی بر میزان متفاوت گرایش به قانون‌گریزی بین زنان و مردان، تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم- زنان و مردان میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند. مطابق با جدول ۱۲، نتایج آزمون $t(3/16) = t$ و $(sig=0/002)$ نشان می‌دهد که بین میانگین دو گروه مردان و زنان پاسخگو ($28/24 =$ مردان و $25/14 =$ زنان) تفاوت

جدول ۱۲- آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت میان جنسیت و گرایش به قانون‌گریزی

جنسیت	تعداد(نفر)	میانگین	انحراف معیار	t	df	Sig
مرد	۲۷۱	۲۸/۲۴	۱۰/۳۰	۳/۱۶	۲۹۸/۶	۰/۰۰۲
زن	۱۲۹	۲۵/۱۴	۸/۵۵			

فرضیه ششم- افراد مجرد و متأهل میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند. جدول ۱۳، نشان می‌دهد که با توجه به نتایج آزمون t (sig=۰/۰۰۰ و t= ۴/۳۱) تفاوت بین میانگین گروه مجرد

فرضیه ششم- افراد مجرد و متأهل میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند.

جدول ۱۳، نشان می‌دهد که با توجه به نتایج آزمون t (sig=۰/۰۰۰ و t= ۴/۳۱) تفاوت بین میانگین گروه مجرد

جدول ۱۳- آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت میان وضعیت تأهل و گرایش به قانون‌گریزی

وضعیت تأهل	تعداد(نفر)	میانگین	انحراف معیار	t	Df	Sig
مجرد	۲۸۳	۲۸/۵۴	۹/۸۸	۴/۳۱	۲۳۳	۰/۰۰۰
متأهل	۱۱۷	۲۴/۱۰	۹/۱۴			

مرحله ۲: در مرحله دوم، متغیر وضعیت تأهل وارد معادله رگرسیونی می‌شود و حدود ۳۱ درصد از متغیر وابسته تبیین می‌شود. با ورود این متغیر، حدود ۲ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۱۳۶-) نشان می‌دهد که میزان گرایش به قانون‌گریزی در افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل است. در مجموع، این دو متغیر حدود ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره در بررسی روابط آماری فرضیه‌های مختلف تحقیق، متغیرها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و t مستقل به صورت دو به دو تحلیل شدند. اینک برای مطالعه تأثیر همه متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام^۱ استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده آن است که متغیرهای فرهنگ شهروندی و وضعیت تأهل وارد معادله شده‌اند. نتایج رگرسیون در جدول ۱۴ آمده است.

مرحله ۱: بر اساس جدول ۱۴ نخستین متغیر پیش‌بینی‌کننده گرایش به قانون‌گریزی که وارد معادله شده است، متغیر فرهنگ شهروندی است که حدود ۲۹ درصد از واریانس متغیر گرایش به قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر (۰/۵۴۳-) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در فرهنگ شهروندی، به میزان ۰/۵۴۳ از میزان گرایش به قانون‌گریزی کاهش می‌یابد.

¹ Stepwise

جدول ۱۴- تحلیل رگرسیون چند متغیره با استفاده از روش گام به گام

مراحل	متغیرهای پیش‌بینی	R	R ^{2adj}	B	β	T	Sig.T
۱	فرهنگ شهروندی	۰/۵۴۳	۰/۲۹۳	-۰/۹۲۱	-۰/۵۴۳	-۱۲/۸۶۸	۰/۰۰۰
۲	وضعیت تأهل (مجرد)	۰/۵۵۹	۰/۳۰۹	-۲/۹۵۲	-۰/۱۳۶	-۳/۲۴۳	۰/۰۰۱
	F	۹۰/۰۴۳					
	Sig. F	۰/۰۰۰					

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین فرهنگ شهروندی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج به‌دست آمده از تحقیقات پیشین همخوانی دارد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که بین هر یک از ابعاد فرهنگ شهروندی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

شهروندی محصول جامعه‌ای است که در آن هویت افراد نه بر اساس شبکه‌های قومی، قبیله‌ای و طایفه‌ای؛ بلکه بر محور ارزش‌ها و معیارهای عام تعیین شود. این نگرش به معنای رفع تفاوت‌ها نبوده؛ بلکه شناخت و حمایت از تنوع‌ها با توجه به حقوق همه افراد و بدون محوریت هویت‌های خاص مدنظر است (شیبانی، ۱۳۸۱: ۷۸).

در ارتباط با پیوند نتایج به‌دست آمده با شرایط اجتماعی و فرهنگی شهر یاسوج می‌توان گفت که: شهر یاسوج، از مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور است که به دلیل نوپا بودن بوم‌شناسی نوین شهری خود، دارای ویژگی‌های قابل توجهی از ساختار سنتی است. این ساختار با گسترش شهرنشینی و مهاجرت ساکنان مناطق عشایری و روستایی به مناطق شهری، دوران گذار به شرایط نوین را سپری می‌کند. ساختارهای سنتی در معرض دگرگونی‌های در حال وقوع، سیمای جامعه‌ای در حال گذار را در مورد شهر یاسوج نمایان می‌سازد. به لحاظ فرهنگی، شهر یاسوج نمودی از درهم‌آمیختگی ویژگی‌های مدرن و شهری و ارتباطات سنتی است. در این شهر، هنوز پیوندهای طایفه‌ای وجود دارد و در

بیشتر رفتارهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کند. ویژگی‌های بیرونی در زمینه‌های رفتاری مردم شهر یاسوج نشان می‌دهد که با وجود گسترش ویژگی‌های زندگی نوین- اعم از صنعت، نهادها و مناسبات گوناگون- ویژگی‌های سنتی همچنان در چگونگی رفتارها، دسته‌بندی‌ها و تعاملات اجتماعی نقش دارند. مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد- شهر یاسوج- در فرایند استان شدن و دگرگونی بوم‌شناسی انسانی منطقه، پذیرای مهاجرانی از مناطق مختلف استان بوده است. از یک سو، این مهاجرت‌ها به کاهش دسته‌بندی‌های سنتی منجر نشده و حاکمیت فرهنگ ایلی، قبیله‌ای و عشیره‌ای باعث شده است که در برخی موارد افراد به جای پایبندی به قوانین، طبق آداب و سنن ایلی و عشیره‌ای خود رفتار نمایند و از سوی دیگر، رشد سریع جمعیت شهرنشینی ناشی از مهاجرت‌ها، باعث شده است که بخشی از مهاجران در این شهر، ضمن قرارگرفتن در فرایند در حال گذار شهر یاسوج، به نظام‌ها و مقررات اجتماعی کم‌توجهی نشان دهند و به سوی قانون‌گریزی سوق پیدا کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین وضعیت تأهل و میزان گرایش به قانون‌گریزی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی، افراد مجرد نسبت به افراد متأهل، گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند. داشتن خانواده در بسیاری از مواقع، متأهل‌ها را از انجام کارهای غیرقانونی باز می‌دارد و مجردها به دلیل نداشتن مسئولیت خانوادگی، بیشتر به سوی انحرافات و هنجارشکنی گرایش دارند. همچنین، بین زنان و مردان در میزان گرایش به قانون‌گریزی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مردان نسبت به زنان گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند.

رسانه‌های نوین می‌تواند در بروز این وضعیت -گرایش جوانان به قانون‌گریزی- نقش داشته باشد. فرهنگ بومی- محلی مبتنی بر جسارت مردانه در رفتارهای اجتماعی نیز خود را در گرایش به قانون‌گریزی نشان داده است.

پیشنهادها

با توجه به پیامدهای زیانبار قانون‌گریزی برای جامعه؛ به‌ویژه مناطق در حال‌گذاری چون یاسوج؛ پیشنهاد می‌شود نسبت به روشن کردن افکار عمومی در این زمینه اقدام شود تا ضمن اطلاع‌رسانی در مورد پیامدهای ناخوشایند چنین رفتارهایی برای زندگی فردی و اجتماعی شهروندان، زمینه‌های قانونمداری و قانون‌گرایی در جامعه را تقویت نمود.

فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌های عینی و ذهنی مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه برای مدیریت و بهبود امور مختلف جامعه و آگاه‌سازی افراد نسبت به پیامدهای سازنده و خوشایند چنین مشارکت‌ها و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی.

با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر ارتباط معنادار بین فرهنگ شهروندی و میزان گرایش به قانون‌گریزی افراد جامعه، پیشنهاد می‌شود برای شهری چون یاسوج که دارای بافت در حال‌گذار از شرایط سنتی به مدرن است و هنوز باورها و مناسبات عشیره‌ای و سنتی در روابط اجتماعی تعیین‌کننده‌اند، مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی و ترویجی برای تقویت و نهادینه‌شدن آموزه‌های فرهنگ شهروندی به‌کار بسته شود. در این زمینه، نهادهایی چون صداوسیما (شبکه محلی استانی)، نشریات محلی و نهادهای آموزشی می‌توانند نقش سازنده‌ای ایفا نمایند.

آگاه‌سازی شهروندان از محاسن و مزایای فردی و اجتماعی رعایت فرهنگ شهروندی، به‌منظور تقویت فرهنگ شهروندی ضرورت دارد و در این راستا، پیشنهاد می‌شود شهروندان نمونه در زمینه رعایت فرهنگ شهروندی و موازین

از دلایل ارتکاب کمتر زنان به جرایم و قانون‌گریزی، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- قدرت بدنی زنان کمتر از مردان است؛ بنابراین، توانایی مقابله، ستیز و برخورد با دیگران را مانند مردان ندارند. ۲- زنان بیشتر از مردان نسبت به فرزندان و خانواده خود احساس مسئولیت می‌کنند (فرجاد، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

نتایج بررسی نشان داد، متغیرهایی که به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم با فرهنگ شهروندی مرتبط هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش میزان گرایش به قانون‌گریزی دارند. به بیان دیگر، پاسخگویی که از ویژگی‌های فرهنگ شهروندی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی بیشتری برخوردارند، گرایش کمتری به قانون‌گریزی دارند. فرهنگ شهروندی که در میان متغیرهای مستقل نقش برجسته‌ای در تعیین متغیر وابسته دارد، هم از لحاظ آگاهی فرد نسبت به قوانین و هم از لحاظ تجربیات اجتماعی حاصل از این آگاهی، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای فردی و اجتماعی افراد دارد.

آنچه از یافته‌های این مطالعه به‌دست آمده و جای تأمل دارد، گرایش بیشتر افراد مجرد و با سنین پایین‌تر به قانون‌گریزی است. این وضعیت می‌تواند زمینه آسیب‌شناختی در سازوکارهای جامعه‌پذیری و همچنین، شیوه تجربه‌پذیری و رفتارهای اجتماعی نوجوانان و جوانان را نشان دهد. در حالی که انتظار می‌رود در پرتو تعالیم آموزشی رسمی و غیررسمی جوانان گرایش کمتری نسبت به قانون‌گریزی داشته باشند و بیشتر در راستای الزامات فرهنگ شهروندی رفتار نمایند؛ ولی نتایج این مطالعه نشان داد که جوانان گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند. گرچه افراد مسن به سبب ملاحظات اخلاقی و اجتماعی گرایش کمتری نسبت به قانون‌گریزی دارند؛ ولی انتظار می‌رود در جامعه‌ای که در حال گذار است و نوجوانان و جوانان آن بیشتر با متون نوشتاری و رسانه‌ای مربوط به فرهنگ شهروندی سروکار دارند، جوانان نیز گرایش بیشتری به رفتارهای قانون‌گرایانه داشته باشند. ناکارآمدی نظام آموزشی و شیوه استفاده از آموزه‌ها و

رضایی، م. (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون گریزی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۳، صص ۶۹-۷۹.

ستوده، ه. (۱۳۸۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور.

سخاوت، ج. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: انتشارات سمت.

شربتیان، م. (۱۳۸۷). «تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن»، *فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی*، ش ۹ و ۸، سال دوم و سوم، صص ۱۱۹-۱۵۴.

شیبانی، م. (۱۳۸۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره سوم، صص ۶۰-۸۰.

صادق‌نیا، آ. (۱۳۸۹). *میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.

صداقت، ک. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان شهر تبریز*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

صفائی‌پور و همکاران. (۱۳۹۰). «تحلیل و بررسی نقش مهاجرت در توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج (طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۴۵-۱۵۸.

علمی، م. (۱۳۸۵). «بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان تبریز»، *فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی*، سال دوم، شماره هفتم، صص ۵۱-۷۶.

فاطمی‌نیا، س. (۱۳۸۶). «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل

قانونی؛ سالیانه معرفی شوند و از آن‌ها تقدیر شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، به نظر می‌رسد انجام مطالعات دیگری برای بررسی سایر متغیرهای مرتبط با قانون‌گریزی ضرورت داشته باشد.

محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش

در مرحله جمع‌آوری اطلاعات، برخی از پاسخگویان به سختی همکاری می‌کردند و در برخی موارد با احتیاط به سؤال‌ها جواب می‌دادند که این امر ممکن است نتایج تحقیق را تا حدی تحت تأثیر قرار داده باشد.

محدودیت منابع و امکانات مورد نیاز در این پژوهش نیز وجود داشت که این مورد تقریباً در همه تحقیقات اجتماعی و انسانی به چشم می‌خورد.

محدودیت دیگر مربوط به ماهیت متغیر اصلی؛ یعنی گرایش به قانون‌گریزی است که به لحاظ بار ارزشی و اخلاقی؛ ممکن است با وجود توضیحاتی توجیهی محقق مبنی بر محرمانه بودن و مطالعاتی بودن صرف این پرسشنامه، برخی از پاسخگویان پاسخ‌های غیرواقعی داده باشند.

منابع

احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.

توسلی، ع. و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۳). «واقعیت‌های اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۳۲-۶۲.

حاجی آقایی، م. و عباسی، خ. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی عمومی*، شیراز: انتشارات نوید.

خلفی، ش. (۱۳۸۳). *مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پابندی به اخلاق شهروندی در میان شاغلین مراکز دانشگاهی مورد شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.

- مک‌کوایل، د. (۱۳۸۵). *نظریه ارتباطات جمعی*، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه سازمان‌ها.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وثوقی، م. و نیک‌خلق، ع. (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات بهینه.
- Hirschi, T. (1969) "Causes of Delinquency". Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Lin, N. (1976) "Foundations of Social Research New York": Mc Graw Hill.
- Orviska, M. & Hudson, J. (2002) "Tax Evasion, Civic Duty and the Law Abiding Citizen". *European Journal of Political Economy*, No. 19, p 83-102.
- Richard, M. (2004) *Impacts illegality & barriers to legality*. Henduras, International of Restry Review.
- حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، ش ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
- فرجاد، م. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی و کجروی‌های اجتماعی*، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- کاظمی، ن. (۱۳۷۵). «یادگیری و مسئولیت‌پذیری»، *فصلنامه تربیت*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۴-۱۰۷.
- کیویستو، پ. (۱۳۷۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر محسنی، تهران: انتشارات نشر نی.
- گیل، د. و آدامز، ب. (۱۳۸۴). *الفبای ارتباطات*، ترجمه: رامین کریمیان و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- معین، م. (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.

